

## تدابیر تقنینی اجتناب از زندانی کردن مجرمان به عنوان راهکاری مناسب در راستای مجازات های جایگزین حبس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

مرتضی مهدوی فر<sup>۱</sup>

علی صمدی اندزقی

### چکیده

گاهی اوقات در رابطه با مجرمینی که خطرناک محسوب نمی شوند و معمولاً هم به صورت اتفاقی مرتکب جرم شده اند می توان از تدابیری بهره جست که از همان ابتدا مانع ورود آنها به زندان ها که در واقع به تعبیری، خود مدارس جرم آموزی و بزهکاری هستند، شد. «سندرم میله های زندان» یا همان پذیرش فرهنگ زندان که ساترلند آن را از شگفتی های زندان می داند به راستی معضل عظیمی است که امروزه تمامی کشورهای دنیا به نوعی با آن دست و پنجه نرم می کنند و نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت پس نیاز است تا با در پیش گیری تدابیری مانع ورود افراد به زندانها و قرار گرفتن در کنار سایر مجرمین و تبدیل شدن به افرادی کاربرد در زمینه های مختلف مجرمانه شویم. این روش ها در کشور های گوناگون به شیوه های مختلفی به چشم می خورد. تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و مواردی از این دست از جمله این روش ها هستند که اصولاً هر دو مدت ها است که در نظام های حقوقی کشور های مختلف دنیا به چشم می خوردند و راهکارهایی پر استفاده در کاهش جمعیت زندانها طی سالیان متمادی بوده اند.

**واژگان کلیدی:** مجازات جایگزین حبس، مجرم، زندان و حبس، تعلیق مجازات، جمعیت زندان ها

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

### **بخش اول : تعویق صدور حکم در ایران**

تعویق صدور حکم که به تازگی وارد نظام حقوقی کشور ما شده است و هنوز در آن حدی که بتوان به صورت دقیق در رابطه با آن سخن گفت مورد استفاده قرار نگرفته است با این حال در این گفتار خصوصیات کلی این روش را در کشورمان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### **بند اول : تعریف تعویق صدور حکم در ایران**

تعویق در لغت به معنای بازداشتن، درنگ، تأخیر و توقف آمده است اما آنچه که ما در حقوق کیفری به طور کلی در نظر داریم به معنی ساختن صدور حکم شخص مجرمی که مجرمیتش هم ثابت شده است برای یک مدت خاص گفته می شود که در پایان این مدت در صورت حصول شرایط مورد نظر، صدور حکم مجازات فرد به فراموشی سپرده خواهد شد.

### **بند دوم : تاریخچه تعویق صدور حکم**

تعویق صدور حکم در ایران امری کاملاً جدید و نو پا است و به واقع فاقد هر گونه پیشینه و سابقه است. اقدام قانونگذار کشورمان در سال ۹۲ در جهت پیش بینی این نهاد کاملاً جدید و البته ابتکاری درست و مناسب است و اگر بتوان زمینه های مساعد جهت اجرا آن را ایجاد نماییم می توانیم از منافع بسیار آن سود ببریم. البته نقد و تحلیل این شیوه در حال حاضر به شکل دقیق و درست، امکان پذیر نیست و نمی توان تمام جزئیات آن را تحلیل کرد باید مدت زمانی از اجرای آن گذشته باشد تا بتوان با نگرستن در آثار و پیامدهای ناشی از آن به مناسب بودن یا نبودن آن در سیستم حقوقی خود پی ببریم و بینیم آیا این شیوه در کشور ما و نسبت به مجرمین آن قابل اعمال و اثر بخش می باشد یا خیر.

### **بند سوم : تعویق صدور حکم در قوانین فعلی**

ماده ۴۰ قانون مجازات به تعریف و بیان حدود و ثغور تعویق صدور حکم پرداخته است و این گونه بیان می کند که : «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف) وجود جهات تخفیف

ب)پیش بینی اصلاح مرتکب

پ)جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت)فقدان سابقه کیفری مؤثر<sup>۱</sup>»

قانونگذار در زمان پیش بینی این ماده به دنبال دادن فرصتی به مجرم بوده است تا به خود سازی پرداخته و از آثار سوء زندان نیز به دور باشد. اما نقدی که به این ماده وارد شده است این است که ممکن است قضات در عمل به آن روی خوش نشان ندهند و آن را تبدیل به ماده ای متروک نمایند زیرا پی بردن و نفوذ به شخصیت مجرم متضمن صرف وقت بسیار و یاری جستن از مددکاران اجتماعی مکفی می باشد که این امر همواره ممکن نیست.<sup>۲</sup> البته باید اشاره کرد که در هنگام صدور حکم به کلیه مجازات ها و از جمله مجازات های جایگزین حبس نیاز به کنکاش در شخصیت فرد وجود دارد. درست است که در این ماده بیشتر از سایر موارد بدان تأکید شده باشد اما این مسئله، موضوعی جدید و بی سابقه برای قضات مملکت ما نیست. آنها موظف اند همواره با در نظر داشتن ویژگی ها و خصوصیات فرد، مجازات مناسب را تعیین نمایند.

### بند چهارم: اشکال مختلف تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم در کشور ما بر اساس ماده ۴۱ به دو شکل دیده می شود، تعویق ساده و تعویق مراقبتی. این ماده اعلام می کند :

«تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف) در تعویق ساده، مرتکب، به طور کتبی متعهد می گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی شود.

ب)در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.»

گاه در زمان صدور قرار قاضی احساس می کند که بهتر است تا در رابطه با آن شخص مورد نظر با تعیین یکسری دستورات، قید و بند هایی ایجاد کند تا به این تربیت جنبه

۱ تبصره این ماده تعریف محکومیت مؤثر را به ماده ۲۵ قانون مجازات ارجاع داده است.

۲ گلدوزیان ایرج محشای قانون مجازات اسلامی تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، صفحه ۱۰۰

تربیتی و اصلاحی تعویق افزایش یابد پس قرار تعویق مراقبتی را صادر می کند تا فرد به اندازه زمانی که قرار ساده برایش صادر شده از آزادی برخوردار نباشد و تلاش کند تا به اصول و دستوراتی پایبند باشد تا در پایان مدت تعویق به خوبی یاد گرفته باشد که در زندگی باید به ارزش ها و الزاماتی پایبند بوده و نه او و نه هیچ کس دیگری حق زیر پا گذاشتن آن را ندارد.

### **بند پنجم : شرایط صدور قرار تعویق**

شروط مربوط به تعویق صدور حکم را می توان از ماده ۴۰ قانون مجازات به خوبی استنباط کرد. این شرایط عبارت اند از :

۱) وقوع یک جرم از درجه شش تا هشت: علت اینکه قانونگذار تنها این درجات از جرایم را مشمول صدور قرار تعلیق بر می شمارد این است که مشخص است که مجرمین این جرایم به سبب جرم خفیف تری که مرتکب شده اند کمتر خطرناک هستند و کمتر از سایر مجرمین نیازمند در پیش گیری تدابیر اصلاحی و تأدیبی شدید تر نسبت به آنها هستیم و با کمی تلاش و دقت می توانیم دوباره آنان را به مسیر درست خود هدایت کنیم.

۲) احراز مجرمیت متهم : حتماً پیش از صدور قرار باید وقوع جرم توسط فرد به اثبات برسد و سپس دادگاه مخیر خواهد بود که در صورت جمع سایر شرایط اگر مناسب دید قرار تعویق صادر نماید. همچنین از متن ماده نیز استنباط می شود که این قرار صرفاً در دادگاه صادر خواهد شد نه در داسرا.

۳) وضعیت خاص فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده : دادگاه موظف است در صورتی که تمایل به صدور قرار تعویق دارد فرد را از لحاظ ویژگی های فردی و خانوادگی مثل سن، جنس، تحصیلات، محل سکونت، افراد خانواده و همچنین دلایل و اوضاع و احوالی که فرد به سبب وجود آنها مرتکب جرم شده است مثل دلایل شرافتمندانه، تحریک قربانی و... به خوبی مورد بررسی قرار دهد تا اگر صلاح را در فرستادن مجرم به زندان ندید، قرار تعویق را صادر نماید. البته مشخص است که قاضی به تنهایی قادر نخواهد بود تا به این مهم دست یابد پس نیاز به یاری خواستن از متخصصین دیگر در زمینه های روانی، اجتماعی، خانوادگی و امثال آن می باشد.

۴) تعیین مدت زمانی مشخص بین شش ماه تا دو سال در حکم: دادگاه باید مدت زمانی را که احساس می کند مراقبت های دادگاه در تأدیب و اصلاح فرد مؤثر واقع می گردد، مشخص کند. بدیهی است معین نبودن مدت زمان آن، سبب سردرگمی فرد مجرم و اطرافیانش می گردد و همینطور با عدالت و انصاف نیز منافات دارد.

۵) وجود شرایط مقرر در بندهای الف تا ت ماده ۴۰: این شرایط نشان دهنده شخصیت کم خطر و اصلاح پذیر فرد مجرم است و به جهاتی که پیشتر بدان اشاره شد امکان تعویق صدور حکم در مورد وی حاصل می شود.

۶) صدور قرار در حضور خود فرد: تبصره یک ماده ۴۱ دادگاه را ملزم ساخته تا مجرم را در فرا خواند و او هم حتماً در جلسه دادگاه حضور داشته باشد زیرا با بودن وی در دادگاه و از روی رفتار و کردارش، قاضی می تواند تا حدودی به شخصیت او پی ببرد تا در صورت مناسب بودن، قرار تعویق صادر نماید.

#### **بند ششم: دستورات حین صدور قرار تعویق مراقبتی**

این دستورات به دو شکل ظاهر می شوند:

۱\_ دستورات الزامی:

دادگاه در صدور قرار تعویق و تعیین نوع آن کاملاً مخیر است و همگی بسته به نظر و عقیده وی دارد اما با این حال اگر در مورد شخصی قرار تعویق مراقبتی صادر نمود ملزم است تا دستوراتی را که ماده ۴۲ بیان داشته است به مجرم بدهد که همگی شامل برنامه هایی برای اصلاح فرد می باشند. این دستورات عبارت اند از:

الف) حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب) ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

پ) اعلام هر گونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جا به جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت) کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

و همچنین طبق تبصره ماده ۴۲ این تدابیر یاد شده می تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهاد های حمایتی باشد.

## ۲- دستورات تخییری

به جز دستورات الزامی، گونه دیگری از دستورات نیز وجود دارد که این بار قاضی در تعیین آنها مختار است و در صورت لزوم و به شرطی که سبب زیان اساسی برای فرد یا خانواده اش نشود می تواند در ذیل قرار بیان دارد. این دستورات را ماده ۴۳ بیان داشته است :

الف) حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص

ب) اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ) درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت) پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث) خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج) خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ) خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه

ح) گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

**بند هفتم: دستورات مجازات تعلیق مراقبتی به عنوان دستورات مجازات دوره**

## مراقبت

دوره مراقبت از جمله نهاد های جایگزین حبس در ایران محسوب می گردد که در عمل فاقد هرگونه پیشینه در کشورمان است. قانونگذار شرایط و الزاماتی را که برای این مجازات در نظر گرفته است همان هایی است که در ماده ۴۳ برای تعویق مراقبتی نام برده است و به همین علت ذیل مبحث تعویق مراقبتی از آن سخن به میان آورده ایم، اما به جهت اینکه این مجازات هنوز در حکمی دیده نشده است پس هنوز نمی توان به درستی معایب و یا نقاط قوت آن را باز گو نماییم و نقدی منصفانه داشته باشیم. تنها مرجع ما در مورد این

مجازات ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی است که در آن، مجازات تعریف و مدت آن نیز تعیین گشته است.

۱) تعریف دوره مراقبت: این ماده در تعریف این شیوه اعلام می دارد: «دوره مراقبت دوره ای است که طی آن محکوم به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح زیر محکوم می گردد...» همانگونه که از متن ماده ۸۳ مشخص است و پیشتر نیز بیان شد قانونگذار ۹۲ فرامینی را برای محکومین به تعویق مراقبتی جهت اجرا در طول مدت گذراندن دوران محکومیت، پیش بینی کرده است و مجدداً همان فرامین را برای محکومین به گذراندن دوره مراقبت هم در نظر گرفته است. در هردو این مجازات ها قانونگذار سعی دارد تا در طی دوران مشخصی، نظارت و مراقبتی بر روی کردار مجرم داشته باشد گویا این مراقبت را به دو شکل متصور شده است گاهی این نظارت بعد از ملّوق کردن مجازات اصلی مجرم اعمال می گردد و گاهی خود یک مجازات مستقل البتّه به عنوان جایگزین حبس در نظر گرفته می شود.

۲) طول دوران مجازات دوره مراقبت : ماده ۸۳ بعد از اینکه منظور خویش از دوره مراقبت را باز گو می کند مدتّ زمانی را هم که محکوم باید تحت مراقبت و مطیع دستورات دادگاه باشد را تعیین می کند و اعلام میدارد :

« الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه  
ب) در جرایمی که مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال در جرایمی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال است، دو تا چهار سال  
ت) در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال  
تفاوتی که در اینجا با مورد تعویق مراقبتی وجود دارد این است که دست قاضی در تعیین میزان محکومیت بسته تر است بدین دلیل که در تعلیق مراقبتی در خود ماده گفته شده بود «به مدتّ شش ماه تا دو سال» و با خود قاضی بود که از این میزان هر چه قدر که صلاح می دانست حکم دهد اما در دوره مراقبت این میزان مشخص تر و محدود تر شده است.

**بند هشتم : موارد ممنوعت استفاده از تعویق صدور حکم**

ماده ۴۷ این جرایم را نام برده است:

«صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آنها قابل تعویق یا تعلیق نیست:

الف) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب) جرایم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسید پاشی قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرایم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشاء

ت) قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث) تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج) جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

این جرایمی که در این ماده به آن اشاره شده است از جمله جرایمی محسوب می شوند که نشان از خطر ناک بودن فرد مجرم دارد پس با فلسفه تعویق و تعلیق همخوانی ندارد و نباید به مجرمین این جرایم این امتیاز را داد. البته این ماده بیشتر در مورد تعلیق صدق پیدا می کند نه تعویق زیرا در بحث تعویق تنها جرایم درجه شش تا هشت قابل تعویق هستند و جرایم یاد شده در ماده ۴۷ جزو جرایمی از درجات بالاتری هستند.

**بند نهم: پایان یافتن تعویق صدور حکم**

قرار تعویق به دو شکل ممکن است خاتمه پیدا کند یا اینکه به جهتی قرار صادره لغو گردد یا اینکه فرد با موفقیت این دوران را سپری نماید.

الف) ماده ۴۴ بیان می دارد: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می کند. در صورت عدم اجرای دستور های دادگاه، قاضی می تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

تبصره- در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.»



نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که متن ماده به صراحت از جرایم عمدی نام برده است نه جرایم غیر عمدی زیرا اگر ارتکاب یک جرم غیر عمدی موجب لغو قرار گردد خلاف فلسفه تعویق خواهد بود. ضمناً سابق بر این نظریه مشورتی ۷/۴۸۹۳-۱۳۸۶/۲۵ در رابطه با تعلیق صادر گشته بود که در این جا می تواند راهگشا باشد. این نظریه اعلام می کند:

«با توجه به فلسفه تعلیق اجرای مجازات و آثار آن، علی الاصول ارتکاب جرم عمدی در دوران تعلیق که مستوجب محکومیت قطعی یکی از مجازات های مذکور در ماده ۲۹ ق.م.ا. بشود، موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات است و عدم تصریح به جرایم عمدی در شق ۴ بند الف ماده ۲۹ قانون مذکور من باب مسامحه بوده است در هر حال محکومیت در جرایم غیر عمدی موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات نمی شود.»

ب) ماده ۴۵ در مورد پایان موفقیت آمیز دوران تعویق سخن می گوید و اشعار می دارد: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارشهای مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.» اگر فرد موفق شود تا تمامی خواسته های دادگاه را اجابت نماید و جرمی نیز به عمد مرتکب نشود پس احتمالاً متن به صلاح شده است و دیگر نیازی نیست تا فرد را مجازات کنیم زیرا مجازات بی جای فرد هم با انصاف و عدالت سازگار نیست و هم اثر بخشی نخواهد داشت و چه بسا دیدگاه افراد را هم نسبت به سیستم قضایی کشور تحت تأثیر قرار دهد.

### **بخش دوم: تعویق صدور حکم در آمریکا به عنوان کشوری که نهاد تعویق صدور حکم را اعمال می کند**

تعویق صدور حکم در آمریکا در ایالات با استقبال نسبتاً خوبی مواجه شده است و در حدود نیمی از ایالات آن را در مجموعه قوانین خود گنجانده اند و سعی دارند تا از آن در کنار سایر برنامه ها استفاده نمایند، اما در مقابل در قوانین فدرال استفاده از آن بسیار محدود است. درک بهتر از نهاد تعویق صدور حکم در آمریکا نیازمند بررسی شرایط و ویژگی های آن است که در این گفتار به بیان آن می پردازیم.

### **بند اول: تعریف تعویق صدور حکم در آمریکا**

آنچه که در کشور آمریکا به عنوان تعویق صدور حکم دانسته می شود تفاوت خاصی با همزاد خود در حقوق ایران ندارد. به موجب قانون هر کس که در مرتبه اول مرتکب جرم خفیفی گردد اگر دادگاه مناسب ببیند تخفیفی به مجرم داده و از ابتدا وارد مسیر صدور حکم نمی شود اما شرایط و الزاماتی نیز وجود دارد که به آنها خواهیم پرداخت.

### **بند دوم: تاریخچه تعویق صدور حکم**

هر کدام از ایالاتی که تعویق صدور حکم را پذیرفته اند در زمانی خاص و با توجه به سیاست های دولت فدرال که در جهت استفاده از برنامه های مناسب برای اصلاح بهتر مجرمین و در کنار آن کاهش جمعیت زندان ها بوده اند آن را به تقلید از کشور فرانسه پرچمدار این سیستم، وارد قوانین خود کردند. در قوانین فدرال، ما بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۴ قانونی در مورد حمل اسلحه توسط افراد بین ۱۸ تا ۲۶ سال وجود داشت که امکان تعویق صدور حکم آن ها را ممکن ساخته بود که البته در عمل هرگز روی خوش به آن نشان داده نشد. این قانون در سال ۱۹۸۴ توسط قانون اصلاح مجازات ها نسخ گردید و هرگز قانون دیگری جایگزین آن نشد.<sup>۲</sup>

### **بند سوم: تعویق صدور حکم در رویه فعلی**

تعویق صدور حکم در آمریکا هم مانند ایران به دنبال اثبات گناهکاری مجرم، در صورت وجود یکسری شرایط خاص، به فرد تعلق می گیرد اما نباید حکم محکومیت صادر شده باشد. اصولاً تعویق صدور حکم در آمریکا با روش های نظارتی دیگری همچون نظارت الکترونیکی همراه است و مرتباً شخص تحت کنترل قرار میگیرد. زمانی که قاضی به گناهکاری شخص مجرم پی برد در صورتی که احساس کند تعویق صدور حکم به نفع فرد و آسایش جامعه است می تواند برای مدتی مشخص، صدور حکم خود را به تعویق اندازد تا در پایان مهلت مقرر بر مبنای اخلاقیات و رفتار فرد تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. عموماً به تعویق انداختن صدور حکم محکوم بر طبق قانون در دادگاه های فدرال ممنوع اعلام شده

---

<sup>۲</sup>Sentencing Reform Act 1984

COLGATE LOVE Margaret; Alternatives to Conviction: Deferred Adjudication as a Way of Avoiding Collateral Consequences Federal Sentencing Report vol.22 no.1 Washington. 2010 p.8

است اما با این حال استثنائی وجود دارد و در یک حالت امکان به تأخیر انداختن صدور حکم مجاز شناخته شده است.<sup>۲</sup>

#### **بند چهارم : افراد مجاز به بهره گیری از تعویق صدور حکم**

در حال حاضر تعویق صدور حکم بر طبق قوانین فدرال تنها در یک مورد خاص وجود دارد و آن هم در رابطه با افرادی است که به جرم حمل و در اختیار داشتن مواد مخدر به میزان اندک آن هم برای نخستین بار دستگیر می شوند. در رابطه با میزان و نوع مواد مخدر در خود قانون بحث شده است. بر این مبنا دادگاه می تواند به طور استثنائی در این مورد صدور حکم را تا یک سال به تعویق اندازد و اگر فرد در آن مدت طبق قوانین و دستورات عمل کرد دیگر حکم محکومیتی برایش صادر نخواهد شد.

#### **بند پنجم : انواع تعویق صدور حکم**

در آمریکایی هم همچون ایرانیان دو نوع تعویق صدور حکم به چشم می خورد که هر دو شکل در زمان تعلیق مجازات هم مورد استفاده قرار می گیرند. در یکی از آنها تنها فرد ملزم به رعایت شرایط کلی تعویق یعنی عدم نقض دستورات و قوانین می گردد. این روش مختص افراد بسیار کم خطر و یا بی خطر است، دستور دیگری به فرد داده نمی شود و حتی نیازی به دیدار مأمور تعویق با فرد وجود ندارد و عملاً فرد آزاد گذاشته می شود و تنها در پایان مدت تعویق بررسی می کنند که آیا فرد مرتکب خطایی شده است یا نه. اما در نوع دوم نظارت ها بیشتر است و دستوراتی مضاعف به فرد داده می شود که ملزم به رعایت تمام آنها می باشد و ضمناً باید مرتباً با مأمور تعلیق در ارتباط باشد و او را از وضعیت خود و فعالیت هایش مطلع سازد. مأمور تعلیق نیز هر از چند گاهی محل زندگی و کار او را بررسی خواهد نمود و اقداماتش را زیر نظر خواهد داشت.

#### **بند ششم : شرایط تعویق صدور حکم**

در قوانین فدرال در بحث تعویق سخن خاصی از شرایط تعویق به میان نیامده است ماده مخصوص این مجازات تنها اظهار می دارد که :

- ۱- به شرطی که فرد پیش از ارتکاب جرم مورد نظر هیچ یک از قوانین فدرال و یا ایالتی مربوط به مواد تحت کنترل را نقض نکرده باشد
- ۲- قبلاً از این فرصت استفاده نکرده باشد و
- ۳- با وجود رضایت خود شخص

دادگاه می تواند حکم به تعویق صدور حکم را بنماید. در این حالت دادگاه بدون اینکه وارد دادرسی و قضاوت در این زمینه گردد صدور حکم را به تعویق می اندازد. البته جز این موارد ذکر شده دادگاه هر شرط دیگری را هم که لازم دید برای فرد تعیین نماید.

### **بند هفتم : خاتمه تعویق صدور حکم**

خاتمه تعویق صدور حکم در آمریکا به دو شکل است که یا فرد به خوبی از پس شرایط دستورات مقرر بر می آید و آن را با موفقیت پشت سر می گذارد که در این حالت همانگونه که قانون مربوطه که پیشتر بدان اشاره شد، دادگاه موظف خواهد بود تا فرد را از رسیدگی و صدور حکم معاف کند و فوراً اقدام به آزاد کردن او بنماید. ممکن است حتی پیش از خاتمه یافتن مدت تعویق دادگاه در صورت وجود شرایط حکم به خاتمه تعویق را صادر نماید. اما اگر محکوم به شرایط تعیین شده پایبند نبوده و آن را نقض نماید در این حالت دادگاه ممکن است همچنان حکم به ادامه تعویق بدون افزایش مدت آن و یا با اضافه کردن زمانی بیشتر بدهد و یا ممکن است تا حکم تعویق را فسخ کرده و شروع به رسیدگی نماید.

### **بخش سوم : ارزیابی نهاد تعویق صدور حکم**

درک درست یک مجازات و تصمیم در رابطه با بهره گیری و یا ترک آن نیازمند بررسی دقیق تجربیات حاصله و نقدی منصفانه بر آن است. بدین منظور ما نیز هم ویژگی ها و نتایج مثبتی که در رابطه تعویق صدور حکم خودنمایی می کند و هم نتایج منفی آن را بازگو می نماییم.

### **بند اول : خصوصیات مثبت تعویق صدور حکم**

بی شک تعویق صدور حکم می تواند برای ما بسیار مفید باشد و سبب حل مشکلات زندان که پیش از این نیز به آن ها اشاره شد و دیگر نیازی هم به تکرار آنها نیست، می گردد. نهادهایی مثل تعویق اصولاً سدی مستحکم در برابر این آژسوء هستند و همچنین

می توانند مانع بر چسب خوردن فردی گردند که شاید به غیر عمد مرتکب جرمی شده و یا اگر هم به عمد بوده تحت شرایط خاصی بوده که به ما اجازه می دهد تا حدی نسبت به وی آسان بگیریم. قطعاً نمی توان تمام مرتکبین را به یک چوب راند ممکن است جرم توسط افرادی دارای شرایط خاص مثل انگیزه شرافتمندانه یا در اثر رفتار و گفتار تحریک آمیز صورت گیرد یا به واسطه جوان بودن مرتکب، نیاز به دادن فرصت به وی جهت اصلاح خویش داشته باشیم تا این قبیل مجرمین بتوانند بار دیگر به آغوش جامعه باز گردند. اگر ما از زندانی شدن فرد جلوگیری به عمل آوریم، به او این امکان را می دهیم تا با تلاش و کوشش خود آثار و زیان های ناشی از جرم خویش را جبران نماید تا اینگونه هم به نفع مجنی علیه اقدامی صورت گیرد و هم خود مجرم و خانواده اش بتوانند از فواید در کنار هم بودن سود برند. نکته دیگر اینکه مجبور کردن فرد محکوم به رعایت یکسری دستورات و الزامات سبب می شود تا فرد به احترام گذاشتن به قوانین عادت کند و آن را یک وظیفه تلقی نماید و حتی اعضای خانواده خود را هم وادار به این کار نماید اینگونه احتمال تکرار جرم نیز کاهش می یابد و به علاوه فکر اینکه فرد در صورت سپری کردن این دوران می تواند از ایجاد سابقه کیفری برای خود جلوگیری به عمل آورد خود عامل دیگری برای کنترل بیشتر رفتار خود و خودداری از ارتکاب مجدد یک جرم می شود.

#### **بند دوم: خصوصیات منفی تعویق صدور حکم**

بسیاری از اندیشمندان استفاده از این روش را نمی پسندند و آن را یک نهاد ساده و سبکی در نظر می گیرند که افراد به راحتی شرایط آن را زیر پا می گذارند اما وضع کاملاً هم اینگونه نیست و در جواب آن ها می توان گفت که زمانی که فردی خلاف دستورات عمل می کند و دوباره راهی دادگاه می گردد این بار دادگاه همچون دفعه قبل نسبت به وی سهل گیری نخواهد داشت و به سبب خیانتی که به اعتماد دادگاه نسبت به خود داشته است به مجازات سنگینتری نسبت به زمانی که از ابتدا قرار تعلیق برایش صادر نمی شد محکوم خواهد شد بنابراین مجرمین سعی خواهند کرد تا با اجرای دقیق دستورات و مقررات حداقل در مدت زمان تعویق از رخ دادن چنین امری پیش گیری نمایند و همین

تلاششان در دوران تعویق برای رعایت و احترام به قانون می تواند کم کم ملکه ذهنشان گردد و حتی پس از خاتمه یافتن آن دوران همچنان به اجرای درست و دقیق قانون پایبند باشند. اگرچه پیش بینی و اجرای دقیق این نهادها باعث احتراز از آثار سوء حبس، به ویژه حبس های کوتاه مدت می گردد اما عدم اجرای دقیق آنها تبدیل به راه فراری برای متهمان برای اجتناب از تحمل مجازات می شود. از این رو لازم است تا تمام جوانب امر در قوانین پیش بینی شود و به خوبی نیز به آن ها عمل شود. در نهایت با توجه به مطالب گفته شده باید دقت داشته باشیم تنها صرف تعویق صدور حکم و تعیین یکسری شرایط و دستورات برای اصلاح کافی نیست و حتماً باید در کنار آنها از برنامه ها مفید دیگر استفاده نماییم برای مثال خدمات عام المنفعه ای که با مهارت فرد هم همخوانی داشته باشد یا اینکه از فرد بخواهیم تا چند روزی در هفته را در پادگان های آموزشی مشغول به فعالیت گردد. بدین ترتیب هم آثار مثبت هر دو نهاد را با هم ترکیب می کنیم و هم درصد موفقیت طرح را بالاتر می بریم، مجرم بیشتر اصلاح می گردد، مفید تر به حال خود و دیگران می شود و در کنارش می توان شاهد تأثیر بیشتری بر کاهش نرخ تکرار جرم و به طبع آن افزایش سطح امنیت و آسایش کشور باشیم.

### بخش چهارم: تعلیق اجرای مجازات در ایران

کشور عزیز ما، ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای مختلف دنیا از دیرباز از نهاد تعلیق مجازات نسبت به یکسری از مجرمین بهره جسته است. این نهاد در طول تاریخ با تغییرات محدودی رو به رو بوده است و شرایط و الزامات مشخصی داشته است. در این گفتار سعی شده است تا به بررسی سیر تحولی آن و شرایط و نتایج آن در ایران پرداخته شود.

#### بند اول: تعریف تعلیق مجازات در ایران

تعلیق در لغت به معنای آویختن و آویزش آمده است و اصطلاحاً نیز به معنای «ایجاد وقفه در اثر حقوقی است». در تعریف تعلیق مجازات هم گفته شده است که «همان تعلیق، اثر حکم لازم الاجرا کیفری است»<sup>۱</sup>.

۱ عادل نیا نجف آبادی مظاهر تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران و بررسی عملکرد مقنن ایرانی پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری فروردین

### بند دوم: تاریخچه تعلیق اجرای مجازات

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی مواد ۴۷ تا ۵۰ از تعلیق اجرای مجازات سخن گفته و بیان کرده بود. در تعریف آن آمده بود که: «ماده ۴۷ - شخصی که به موجب این قانون به واسطه ارتکاب جنحه محکوم به حبس شده است در صورتی که سابقاً به واسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم نشده باشد محکمه می تواند نظر به اخلاق و احوال مجرم و دلایل موجه اجرای مجازات را نسبت به او معلق دارد.

ماده ۴۸ - هر گاه محکوم علیه که اجرای حکم او معلق شده است در مدت پنج سال از تاریخ قطعی شدن حکم محکوم به ارتکاب جنایت یا جنحه جدیدی که موجب حبس باشد نشود محکومیت اولیه او ملغی و کان لم یکن خواهد شد ولی اگر در مدت پنج سال مذکور مرتکب جنایت یا جنحه شده و به این واسطه به حکم قطعی محکوم گردد حکم اول نیز درباره او اجرا خواهد گردید.» در قانون سال ۷۰ هم ماده ۲۵ به تعلیق مجازات اختصاص یافته بود و امکان تعلیق را برای کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده با رعایت شرایط مقرر از دو تا پنج سال میسر کرده بود. مواد ۲۶ تا ۳۷ نیز به بیان شرایط، استثنائات و نکات مربوط به این نهاد پرداخته بود.

### بند سوم: تعلیق اجرای مجازات در قوانین فعلی

در حال حاضر ماده ۴۶ متعلق به نهاد تعلیق اجرای مجازات می باشد و بیان می کند: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات، می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نمایند. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم از مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری، تقاضای تعلیق نماید.» نکاتی که در مورد این ماده وجود دارد این است که اولاً قاضی مخیر به تعلیق مجازات است و اجباری در این کار نیست همانگونه که در قوانین گذشته بدین شکل بوده است. دوم اینکه مدت تعلیق مجازات از دو تا پنج سال در قانون مصوب ۷۰ به یک تا پنج سال در قانون سال ۹۲ کاهش یافته که خود نشان

دهنده امکان تخفیف و مسامحه بیشتر در حق مجرمی است که نه خطرناک است و نه نیازمند تنبیه شدید. همچنین تعلیق به جرایم درجه سه تا هشت تعلق پیدا کرده است. جرایم درجه سه طبق ماده ۱۹ قانون مجازات، حبس تا ۱۵ سال و جزای نقدی تا سیصد و شصت میلیون ریال است، شاید گفته شود کسی که مستحق ۱۵ سال حبس یا این مبلغ جزای نقدی است پس حتماً فرد خطرناکی است و نباید مجازات وی را تعلیق کرد که البته اشتباه هم به نظر نمی رسد اما با این حال این را هم می توان در نظر داشت که تعلیق مجازات اختیاری است که به قاضی داده شده است و الزامی در آن وجود ندارد و اگر رئیس محکمه فرد را لایق تعلیق ندید مجازات وی را تعلیق نخواهد کرد و مشکل تا حدی رفع می شود.

#### بند چهارم: انواع تعلیق اجرای مجازات

ماده ۴۸ تعلیق اجرای مجازات را به دو شکل تقسیم بندی می نماید و اشعار می دارد: «تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد.»

همانطور که پیش تر بدان اشاره شد، تعویق ساده که مقررات تعلیق نیز بدان ملحق گشته تنها شامل یک تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب مجدد جرم و حسن رفتار در مدت تعیین شده است اما در تعویق مراقبتی و همچنین تعلیق مراقبتی یکسری دستورات و الزاماتی نیز به تعهد اضافه می گردند که دادگاه آنها را تعیین می نماید و محکوم ملزم به رعایت آنها می گردد. در نهایت این دادگاه است که بنا بر تشخیص خود حالت ساده یا مراقبتی را برای فرد در نظر می گیرد و هر گاه اصلاح فرد را در گرو دستورات مشخص شده دید، حکم به تعلیق مراقبتی خواهد داد و در غیر این صورت تعلیق ساده مکفی خواهد بود. مواد ۴۲ و ۴۳ از این دستورات سخن به میان آورده اند.

#### بند پنجم: ضمانت اجرای عدم اجرای دستورات در دوره تعلیق

افراد ملزم به رعایت تمامی دستوراتی هستند که در حکم صادره بیان شده اند و اگر از آنها تخلف نمایند گویا از قانون تخطی کرده اند و مستحق تنبیه می شوند. طبق ماده ۵۰: « چنانچه محکومی که مجازات وی معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادر کننده حکم تعلیقی می تواند



به در خواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستورات دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می شود.» دادگاه در دفعه نخستی که فرد از دستورات دادگاه پیروی نمی کند مجازات ملایمتری مشخص می کند اما اگر این رفتار مجدداً تکرار شود نشان از تلاش فرد برای طغیان علیه قانون دارد پس باید برخورد شدید تری صورت گیرد و امتیاز اعطا شده به وی را بازستاند. همچنین ماده ۵۴ اعلام کرده است: «هر گاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می شود.» ارتکاب مجدد جرم هم نشانی از عدم اصلاح فرد است پس باید مجازات در حق وی اعمال گردد و مجازات جرم جدید نیز که به قوت خود باقی است و حتماً اجرا خواهد شد.

### بند ششم: محدودیت های وارده بر تعلیق اجرای مجازات

همانگونه که در فصل پیش نیز بدان اشاره شد قانونگذار در ماده ۴۷ از جرایمی نام برده است که امکان تعویق و تعلیق آن وجود ندارد. به علاوه در قوانین خاص نیز موارد ممنوعیت تعلیق مجازات به چشم می خورد که شامل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و ماده ۱۰ قانون صدور چک می باشد. علت نیز کاملاً مشخص است زیرا تمامی این جرایم از جرایم پر اهمیت و خطرناک به حساب می آیند و ما ناگزیر از مجازات مرتکبین آن ها هستیم تا به این ترتیب هم فرد خطرناک را تحت مراقبت و آموزش و درمان قرار دهیم و مانع تکرار مجدد جرم توسط آنها شویم، هم جامعه را از شر آنها حفظ نماییم و اذهان ملتهد عمومی را تا حدودی آرامش بخشیم. همچنین برخورد قاطع با مجرمین این جرایم درس عبرتی گردد تا سایرین به فکر ارتکاب آنها نیفتند.

### بند هفتم: تأثیر تعلیق اجرای یک مجازات بر روی سایر مجازات ها

در برخی از موارد یک فرد ممکن است به دو مجازات محکوم شود یا اینکه مجبور به پرداخت ضرر و زیان مالی وارده بر دیگری گردد. در این حالت اگر یکی از مجازات ها معلق گردد قاعده‌تاً نباید تأثیری بر روی سایر مجازات ها داشته باشد. مواد ۵۱ و ۵۳ دقیقاً به همین مورد اشاره دارد.

طبق ماده ۵۱ « تعلیق اجرای مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می شود.» در این باره باید گفت که نه تنها در حالت تعلیق مجازات بلکه هر زمانی که اجرای مجازاتی به هر دلیلی متوقف شود ضرر و زیان اشخاص ثالث به قوت خود باقی است و حتماً باید جبران گردد. قاعده لا ضرر را می توانیم پشتوانه این مسئله بدانیم. قانونگذار با ذکر این ماده تأکید دوباره ای بر این موضوع مهم دارد و مانع تزییع حقوق سایرین که مستقیماً از ارتکاب جرم متضرر گشته اند، می گردد.

ماده ۵۳ هم بیان می دارد: « در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیر معلق محاسبه می گردد.

تبصره- در مواردی که به موجب قوانین استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است، در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.»

در واقع تعلیق امتیازی است که به فرد اعطا می شود تا بدون رفتن به زندان یا تحمل سایر مجازات ها و تبعات آن آزادانه به زندگی عادی خود بپردازد و بتواند در جمع جامعه و اعضای خانواده خود باقی بماند و هم اینکه به فعالیت های شغلی و اقتصادی خود ادامه دهد اما اگر باز هم از کارش منفصل گردد فلسفه تعلیق تا حدودی زیر سؤال می رود بنابر این ارجح این است که در صورت تعلیق اجرای یک مجازات فرد همچنان به کار و فعالیت خود ادامه دهد و بتواند مثر ثمر واقع گردد مگر در موارد خاص و مهمی که قانونگذار واجب می بیند تا مجرم دیگر در آن حوزه شغلی یا برای مدتی مشخص یا به صورت دائمی حضور به هم نرساند.

### بند هشتم: پایان یافتن تعلیق اجرای مجازات

تعلیق مجازات یا با پایان یافتن مدّت مطروحه در حکم تعلیق خاتمه پیدا می کند یا به واسطه عدم رعایت دستورات دادگاه البتّه در مرتبه دوّم و یا ارتکاب مجدد یک جرم.

ماده ۵۲ در رابطه با پایان یافتن مدّت تعلیق مجازات اعلام می کند:

«هر گاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدّت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد،

قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیقی بی اثر می شود.»

مشخص است که با پایان یافتن زمان مشخص شده در حکم و تبعیّت از اوامر و نواهی دادگاه، دیگر فرد نیازمند تنبیه، ارشاد و ارعاب از طریق مجازات نیست پس باید مجازات کردن وی را فراموش کنیم و در واقع آن را انجام شده و خاتمه یافته تلقی نماییم. اما گاهی هم تعلیق این چنین خوب به پایان نمی رسد و عامل دیگری سبب لغو حکم تعلیق و الزام به اجرای مجازات می گردد. ماده ۵۴ اشعار می دارد: «هر گاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدّت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدّت تعلیق مرتکب یکی از جرایم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می شود.» ارتکاب جرم جدید نشانی از اصلاح نشدن و استعداد فرد برای انجام مکرر جرایم دارد پس باید چاره ای اندیشید و فرد را تنبیه کرد و این به شکل اجرای مجازات تعلیقی و همچنین مجازات جرم اخیر صورت می پذیرد.

### نتیجه گیری و جمع بندی بحث

با شکل گیری زندانها این فکدر ذهن ها ایجاد شد که دیگر مجازات های سعب و خشن در شیرازه کیفری خود نخواهیم دید و با کمک حبس می توانیم به بهترین نتایج در زمینه دفاع از جامعه و اصلاح و درمان شخص مجرم دست یازیم. با این حال گذر زمان نادرست بودن این اندیشه را بارها و بارها به اثبات رسانید و جایگاه رفیع حبس را به عنوان مجازات مفید و مؤثر به زیر کشانید. در این رابطه نظرات بسیاری بیان شد. مارک آنسل در مقدمه آخرین چاپ کتابش خاطر نشان می کند که «شکست بازپروری در زندان تقریباً حتمی

شده است. «همچنین جرم‌شناسان و حتی سیاستگذاران جنایی هم تحقق هدف اصلاح و درمان بزهکاران از طریق کیفر زندان را به یک رویا تشبیه کرده‌اند. امروزه در سرتاسر دنیا سیستم تعلیق توانسته است تا به تعدادی از اهداف از پیش تعیین شده به صورت غیر قابل انکاری دست یابد از جمله این موارد:

۱- طبق بررسی‌ها مشخص شده است تعلیق مجازات نسبت به آزادی مشروط تأثیر بیشتری بر کاهش نرخ تکرار جرم دارد زیرا زمانی که افراد را برای مدتی به زندان فرستاده و سپس آزاد کرده و تحت مراقبت و نظارت قرار می‌دهیم امکان تکرار جرم در مقایسه با زمانی که از همان ابتدا مانع ورود آنها به محیط زندان می‌شویم بیشتر است.

۲- هزینه‌های دولت کاهش چشمگیری می‌یابد.

۳- جمعیت زندان‌ها به سرعت پایین می‌آید.

۴- به فرد برای از سرگیری روابط خانوادگی و اجتماعی یاری می‌رساند.

۵- باعث کاهش احتمال بزهکاری در سایر افراد خانواده از طریق کمک به حفظ بنیان خانواده می‌شود.

۶- عامل بهبود وضعیت اقتصاد فرد، خانواده وی و جامعه از طریق فراهم ساختن امکان انجام فعالیت‌های شغلی توسط محکوم می‌باشد.

۸- سبب فردی و شخصی کردن مجازات‌ها می‌شود.

۹- به دلیل اینکه عدم ارتکاب مجدد جرم شرط بهره‌مندی از تعلیق است موجب دور نگه داشتن مجرم از ارتکاب جرم جدید می‌شود.

و مواردی از این دست از آثار مفید تعلیق مجازات به حساب می‌آید. این نتایج مثبت سبب شدند تا در برهه‌ای از زمان و علی‌الخصوص در آمریکا به شکلی افراطی از این شیوه استفاده گردد ولی با گذشت مدتی زمانی، کم‌کم معلوم شد که تعلیق تا حدی با آنچه در ذهن داشتند فاصله دارد و به گفته عده‌ای آثار شکست آن به مرور آشکار شد.

به هر نحو بر مبنای آنچه که این مقاله نشان می‌دهد استفاده از مجازات‌های جایگزین امری کاملاً ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند به کاهش نرخ تکرار جرم و افزایش امنیت

۱ تدین، عباس؛ منبع پیشین، صفحه ۱۳۶

۲ خواجه نوری، یاسمن؛ منبع پیشین، صفحه ۱۴۷

آسایش در کشور کمک کند شاید این نهاد ها کامل و عاری از هر گونه عیب و نقصی نباشند اما بسیار مفید تر از زندان و و به ویژه حبس های کوتاه مدت هستند. اما نباید فراموش کرد که بهره گیری از جایگزین های حبس در کنار هم و به شکل مختلط سبب افزایش اثر گذاری آنها نسبت به زمانی است که به صورت مجزا و تک به تک مورد استفاده قرار می گیرند. صرف تعلیق مجازات کافی نیست و نیاز به نظارت بیشتر است پس مراقبت های نظارتی در کنار آن ضروری می نماید و باید یک دوره مراقبت برای شخص تعیین گردد. یا اینکه برای چند ماه نخست حکم به حبس خانگی داده شود تا به یک باره فرد را وارد جامعه نکنیم زیرا نه هنوز جامعه قادر به پذیرش اوست و نه وی قادر به حضور در جامعه پس باید قدم به قدم پیش رفت. مجازات های مالی هم جزو آن دسته از مجازات هایی هستند که قابلیت اعمال در کنار هر نوع مجازات دیگری هم دارند. امروزه با تغییر نگرش افراد به مسائل مالی و طمع بیشتر آنان در جمع آوری ثروت بیشتر، مال راهکار خوبی برای تنبیه محکومین و به ویژه مجرمین جرایم مالی به نظر می رسد..

## منابع و مآخذ

### ۱- منابع فارسی

#### الف) کتب

۱. احمدی موحد، اصغر؛ اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱
۲. الهی منش محمد رضا، قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه انتشارات مجد تهران، ۱۳۹۱
۳. آشوری، محمد، جایگزین زندان یا مجازات های بینابین نشر گرایش تهران چاپ اول ۱۳۸۲
۴. آشوری محمد، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری) تهران، انتشارات سمت ۱۳۸۳
۵. بکاریا سزار رساله جرایم و مجازات ها ترجمه محمد علی اردبیلی مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران چاپ اول، ۱۳۶۸
۶. بولک برنار، کیفر شناسی ترجمه نجفی ابراندآبادی علی حسین تهران انتشارات مجد چاپ هشتم ۱۳۸۷
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، و سیط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۹
۸. دهخدا علی اکبر، لغت نامه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
۹. شامبیاتی هوشنگ حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، جلد سوم
۱۰. صلاحی جاوید، کیفر شناسی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲
۱۱. عمید حسن فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶، جلد ۲
۱۲. غلامی حسین، تکرار جرم نشر میزان تهران ۱۳۹۰
۱۳. فوکومیشل، مراقبت و تنبیه- تولد زندان ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده نشر نی ۱۳۸۷
۱۴. گلدوزیان ایرج محشای قانون مجازات اسلامی تهران، انتشارات مجد ۱۳۹۲
۱۵. گودرزی بروجردی محمد رضا و لیلا مقدادی کیفر شناسی نوین یا کیفر های اجتماعی انتشارات مجد چاپ اول ۱۳۸۴

۱۶. محدث محسن مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازاتهای جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم انتشارات مؤسسه فرهنگی نگاه بینه چاپ اول ۱۳۸۸
۱۷. نوربهارضا، زمینه حقوق جزای عمومی کتابخانه گنج دانش تهران چاپ بیست و ششم ۱۳۸۸

### ب) مقالات

۱. احمدی، احمد، نقش کیفر خدمات عام المنفعه در پیشگیری از تکرار جرم مجموعه مقاله های کارگروه پیشگیری از جرم و بزه دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۸
۲. بابایی محمد علی، مهم ترین جلوه های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی تهران، پژوهشنامه اندیشه های حقوقی شماره ۳ ۱۳۹۱
۳. تدین، عباس، رابطه پیشگیری از تکرار جرم و آزادی مشروط، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم - پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، ۱۳۸۸
۴. تدین عباس، نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزینی زندان مجله حقوق دادگستری ۱۳۸۷ شماره ۶۴
۵. جعفریان سید حسن جایگاه ضبط و مصادره اموال در حقوق ایران مجله دادرسی شماره ۸۷ مرداد و شهریور ۱۳۹۰
۶. خواجه نوری، یاسمن، نقش کیفر های جامعه مدار در پیشگیری از تکرار جرم در کودکان، مجموعه مقاله های کارگروه پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۸
۷. رهامی محسن، ماهیت، آثار و مبانی شرعی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی مجله مجتمع آموزش عالی قم سال سوم شماره ۱۱ زمستان ۱۳۸۰
۸. سلیمی صادق، مجازاتهای تبعی در حقوق کیفری ایران مجله کانون وکلا شماره ۱۷۱ زمستان ۱۳۷۹
۹. شمس ناتری محمد ابراهیم، قنبریان بانوئی، منصوره، مفهوم و ماهیت شناسی تبعید، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰

### پ) پایان نامه ها

۱. اسماعیلی محمد، بازداشت بدهکار برای محکومیت های مالی و مقایسه آن با نظام های حقوقی دیگر پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد گرایش حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
۲. بوستانچی، مهرداد، مجازات های جایگزین حبس با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۹۲، پایان نامه جهت کسب مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات یزد، ۱۳۹۲
۳. حق شناس، جابر، مبانی نظری جایگزین های کیفر حبس در حقوق کیفری ایران با ملاحظه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پایان نامه جهت کسب مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران، ۱۳۹۲
۴. عادل نیا نجف آبادی مظاهر تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران و بررسی عملکرد مقنن ایرانی پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری فروردین ۱۳۹۰